

مذاکرات مجلس

شماره
هفتاد و سوم

جلسه
۱۰۸

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه يكشنبه ۳۱

اردیبهشت ماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۰ ذی‌قعدة الحرام

۱۳۴۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمت اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

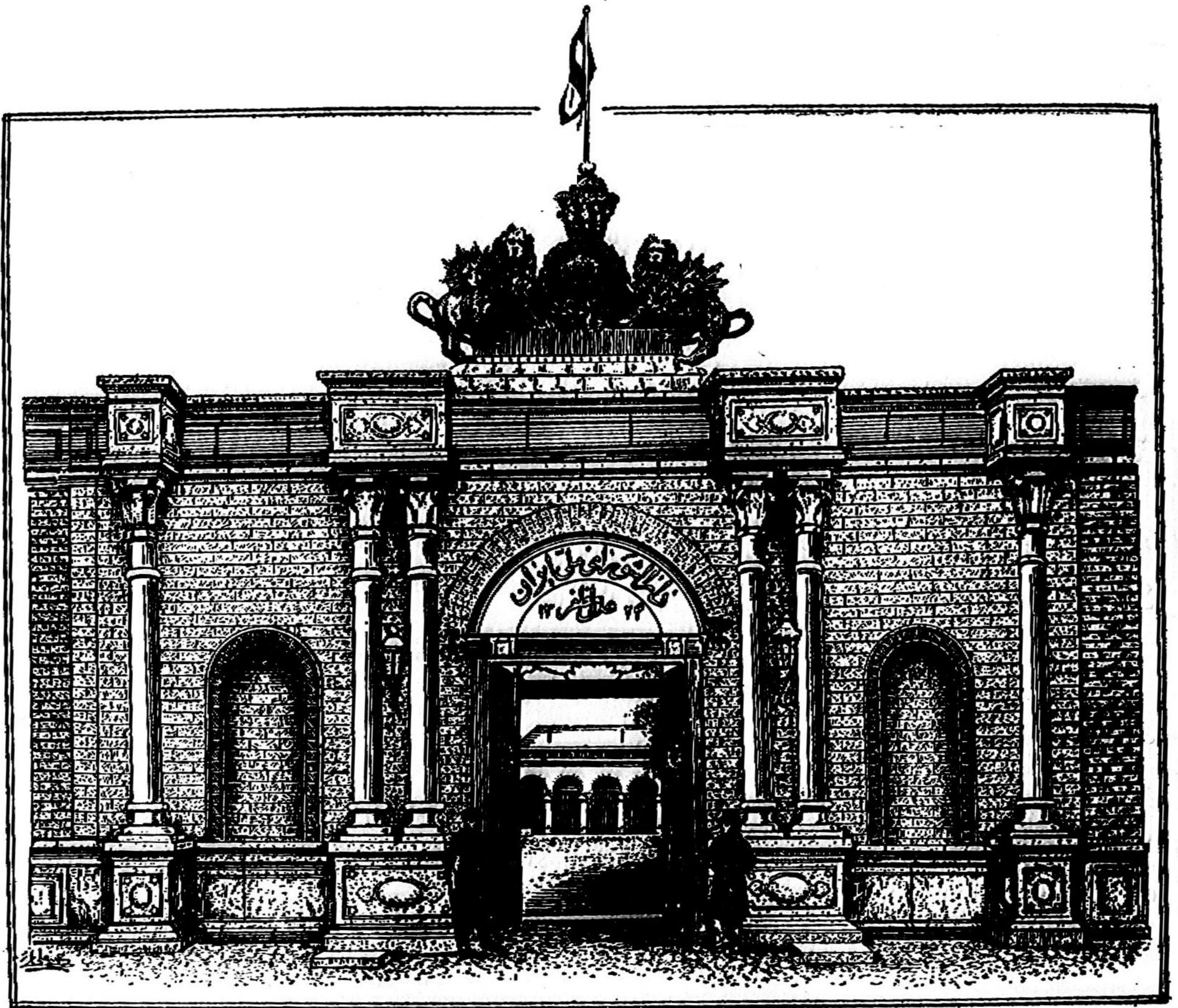
خارجه « دوازده تومان »

قیمت تک شماره

يك قران

فهرست مندرجات

عمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	خبر کمیسیون معارف راجع باصلاح قانون طبابت ماده ۱ و ۲	۱۴۷۱	۱۴۸۹



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۰ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۰۸

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز گذشته را آقای
بفی سلیمان قرائت کردند)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب -- راجع به لایحه وزارت داخله
در صورت مجلس اشاره نشده است که به کمیسیون داخله

ارجاع شد. اگر لازم است ذکر شود.

رئیس -- درست ملتفت نشدم. چه فرمودید؟
آقا سید یعقوب -- عرض کردم فوریت لایحه وزارت
داخله را که مجلس تصویب کرد در صورت مجلس همینقدر
نوشته شده که تصویب شد دیگر ننوشته است به کمیسیون
داخله مراجعه شد اگر لازم است ذکر شود.

رئیس -- اضافه میشود. صورت مجلس دیگر اعتراضی
ندارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

رئیس -- وارد دستور میشود. پیشنهاد آقای بامداد
راجع بدستور قرائت میشود

(اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لایحه اصلاح قانون طبابت مطرح و
مقدم بر دستور باشد

رئیس -- بفرمائید توضیح بدهید.

بامداد -- نظر باینکه موضوعی که در دستور بود ممکن بود
دچار کشمکش بشود و وقت مجلس را تلف کند ولایحه
اصلاح قانون طبابت هم فوق العاده مبتلا به است از طرفی
مردم ولایات از بی طبیبی فریاد میزنند و از طرف دیگر
امنای وزارت معارف بحکم وظیفه ممانعت و جلو گیری
می کنند از اطبائی که غفلت کرده اند از اخذ اجازه نامه
این بود که بنده پیشنهاد کردم این لایحه در دستور
گذاشته شود و آقایان هم انشاء الله تصویب می فرمایند
که این مشکل مهم حل شود.

روحی -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

روحی -- لایحه اضافات چهار فقره بوده است دو فقره
آن که راجع بوزارت معارف و وزارت پست و تلگراف
بوده است تصویب شده و گذشته مال وزارت فواید

عامه و خارجه باقی است. راجع بوزارت فواید عامه
در جلسه گذشته وقت مجلس را اشغال کرده است حالا
بلااثر گذاشتنش نمی دانم از چه نقطه نظر است؟ اگر
آقایان نظری دارند ممکن است در ضمن مطرح شدن
پیشنهاد کنند دولت هم موافقت می کند و جرح و
تعديل می کند. بعلاوه آن قسمتی که راجع به
جنسک محل اختلاف بود آن را در روز بعضی
آقایان و کلاء ذی نفع (آقای رفیع و سایرین) نشسته اند
و ترتیبی برایش داده اند و این نظر هم تأمین شده است.
گذشته از این الان برای قانون طبابت يك مدافعی از
طرف دولت نیست. وزیر یا معارف نیست که دفاع
بکنند....

بکنفر از نمایندگان -- مخبر که هست.

روحی -- از این نظر بنده مخالف هستم و بهتر آنست
همان لایحه اضافات وزارت فواید عامه که جزو دستور
بوده مطرح باشد.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بامداد آقایان
که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. خبر کمیسیون معارف قرائت
میشود.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول -- اطبائی که تاکنون موفق باخذ اجازه
نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال
متوالی مشغول طبابت بوده اند می توانند در مجلس امتحانی
که در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات
تشکیل خواهد شد امتحان دهند در صورتیکه امتحانات
آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت بآنها داده
خواهد شد و فقط حق استعمال ادویه خواهند داشت
که در حدود معلومات آنها باشد.

تبصره -- مدت امتحانات مذکوره از تاریخ تصویب
این قانون نایکسال خواهد بود.

ولی. این لایحه لایحه شنیدر و راه آهن و سایر چیزها
نیست این لایحه مربوط بجان است. این لایحه لایحه
ایست که ما باید تصدیق کنیم يك عده بروند و مشغول

طبابت باشند و جان مردم را بدهیم بدست آنها. گرچه
بنده کاملاً معترف هستم که يك عده اشخاصی هستند و

میتوانند از عهده امتحان بر آیند و کار کرده اند و حقاً
هم بایستی بآنها تصدیق داد ولی يك عده هم هستند که

شاید اینطور نباشند. خوب اگر در سایر ممالک اینطور
نباشد و ما برای کمی وسائل در تهیه اطباء ناچاریم این

اصل را قبول کنیم باید خیلی شرایط را سنگین قرارداد.
آقا قضیه جان است در هیچ جای دنیا کسی نیست طبابت کند

غیر از کسانی که از کلاس بیرون آمده باشند. آقایانی که اروپا
رفته اند میدانند اگر دیده اند غیر از کسانی که از

کلاس بیرون آمده باشند مشغول طبابت باشند بفرمایند؟
کازرونی -- آهم بعد از عمل.

دکتر سنک -- اجازه بدهید. شاید حضرات عالی که
در هر فن متخصص هستید دیده باشید. ولی اجازه

بفرمائید بنده هم در این موضوع عریضی عرض کنم
چون مسئله جان است و ما باید يك مسؤولیت

بزرگی را پیش چشم خود مان به بینیم و رأی بدهیم.
خواستیم عرض کنم که این موادی که این جا نوشته اند که هر

کس رساند که ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اگر امتحان
بدهد با اجازه نامه طبابت داده خواهد شد. این چه مدرکیتی

خواهد داشت؟ اگر مدرکی است که از طرف يك فاکولته
یا يك مدرسه طبی یا يك اشخاص مطلم و بصبری

باشد که بنده حرف ندارم و ایشان البته صالح اند که
بیآیند اینجا و امتحان دهند و پس از قبول شدن

امتحان بروند مشغول طبابت بشوند ولی اگر نباشد از
کجا باید تشخیص ده سال طبابت را داد؟

اجازه بدهید يك حکایت کوچکی را خدمت آقایان
عرض کنم:

ماده دوم -- اطبائی که فقط اجازه طبابت دارند و
دیپلم از مدارس طب دولتی داخله یا خارجه نگرفته اند
حق استعمال کله (دکتر) را نخواهند داشت.

ماده سوم -- وزیر معارف مأمور اجرای این قانون
است.

رئیس -- آقای دکتر سنک

دکتر سنک -- بنده خدای خود را شاهد میگیرم که
مخالفت من نسبت باین لایحه نه از نظر این است که زحمت

کلاسی دیده ام بلکه برای این است که از این فن بهره
دارم و ناچارم عقایدی را که راجع باین لایحه دارم اظهار

کنم. عقیده من خوشبختانه باید بختانه مخالف است با این
لایحه....

کازرونی -- چرا؟

دکتر سنک -- حالا عرض میکنم. علت تقدیم این
لایحه دو موضوع است یکی اینکه چون طبیب نداریم و

دکتر بقدر کفایت نداریم و در بعضی از نقاط هم اگر
اشخاصی مبتلا شوند با مرضی طبیب ندارند و باید برایشان

طبیب تهیه کرد و معالجه آنها و ادار کرد. این یکی
یکی دیگر این است که وزارت معارف حقیقتاً دچار مضیقه

و فشار شده چون يك عدد میگویند که ما از طبابت محروم
مانده ایم باینکه اطلاعات داریم و طبیب هستیم و در آن

موقعی که اجازه نامه داده می شد ما موفق باخذ آن
نشدم حالا يك ترتیبی بدهید که باهم اجازه نامه داده شود

این هم علت دیگر. اما قسمت اول که ما میگوئیم چون
طبیب نداریم باید بموجب این ماده که این جا نوشته است

که اگر کسی ده سال متوالی مشغول طبابت بوده بتوانیم باو
اجازه طبابت بدهیم بيك شرط که او بیاید و امتحان بدهد.

این شرط اخیر ممکن است قدری آقایان را قانع بکنند ولی بنده
چه میگویم؟ بنده عرض میکنم که این لایحه قانون طبابت غیر

از آن لوابجی است که تاکنون آمده است بمجلس شورای

يك وقت سر مريضى رفتيم دیدم يك كسى آن جا نشسته است و بقول خودش مشغول طبابت است . گفتم چه مرضى دارد ؟ گفت حصبه دارد و سودای معده او زیاد شده است . گفتم خوب حالا چه مى کنید ؟ دیدم دارد خمير گرم مى كند و مىگذارد سر مريض حصبه كه سرش درد گرفته گفتم آخر چرا همچو مى كنى ؟ گفت چون ذات الریه اش ورم کرده مى خواهم سودا را از معده اش بیرون بیاورم (خنده نمایندگان) شما مى خندید اما من نخندیدم يعنى اگر مى شنیدم شاید من هم میخندیدم چون مضحك است ولی شما بفهمید چرا ؟ برای اینکه دوروز بعد رفتيم دیدم آن آقای که مى خواست ذات الریه مريض را كه ورم کرده بود معالجه كند یا سودای معده اش را مى خواست بیرون بیاورد بواسطه سوء معالجه اش مرض حصبه با منازعت توأم شده و منازعت را مساعدت کرده و مريض را كشته است اما زنب بد بخت او با چند بچه صغير در اول شب با يك چراغ كوچك موشى نشسته و گریه مى كردند . بنده عرض مى كنم كه آن زن گریه مى كرد كه چطور اطفال را اعاشه كند و بچها هم گریه مى كردند و نان مىخواستند و كرسنه بودند . گفتم آقا شما چه طور طبابت کرده اید ؟ فوری يك استشهدا بیرون آورد كه اقا نوشته است : این شخص را من دیدم كه چند نفر مريض را معالجه كرد . آن يكی در گوشه ديگه اعتراف کرده بود (البته آقایان خودشان دچار این مضيقه ها شده اند كه آورده باشند استشهدا را و در تحت تأثیر انسان را مجبور كنند) شاید در تحت تأثیر بنده گردن شكسته هم آن را امضاء کرده باشم كه بلى این آقا خوب طبيعى است . حالا بنده خواستم عرض كنم كه اینهارا باید تماماً در نظر داشت من نمیخواهم لایحه را كه دولت آورده است آنهم در موقعی كه آقای تدین وزیر معارف هستند رد بشود اما كاركار وجدانی است و امر جان است و من ناچارم در این

جا اظهار عقیده بكنم چون از این فن بهره دارم البته آقای كلزونی با سایر آقایان بیشتر از من دیده اند و تجربه کرده اند ولی بنده هم كتاب دیده ام اگر چه ایشان فرمودند يك روزي كه تجربه غير از كتاب است ولی خواستم از ایشان استدعا بكنم كه این قدر هم كلاس را خفه نکنند . شاگرد بد بخت كه جان مى كند و از مدرسه طب بیرون مى آید اطلاعات دارد درس خوانده است عمل کرده است در مريضخانه . على ای حال اینکه فرمودند در مراكز عمده ایالات و ولایات امتحان شوند بنده هم موافقم كه يك مجلس امتحانی باشد شاید يكی از آسمان آمده باشد پائین و بگوید من حاضر هستم تمام برائش هاي طب را امتحان بدهم اگر امتحان داد البته باید باو تصدیق داد . ولی ملاحظه بفرمائید اینکه مى نویسند: در مراكز عمده ایالات و ولایات باید امتحان شوند . خوب این امتحان كی است ؟ بنده بسار قسمتهايش كار ندارم باید متخصصین امتحان كنند رئیس معارف كه نمى تواند امتحان كند این كار او نیست . مركز مازندران عجله ساری است در آنجا يك نفر طبیب دیپلمه هست كه دكتره را مى است كه از این جا فرستاده شده برای ریاست صحیه مازندران . خوب چند نفر هم لابد از این اطباءى غير مجاز هستند . اگر بخواهند اینها را امتحان كنند حقا میپرسم كه این دكتر بهرامی كه در سویس تحصیل کرده است و آمده بايك كسى كه قانون بوعلی را خوانده باشد آیا دكتر بهرامی مى تواند او را امتحان كند ؟ خیر . در صورتیكه او طبیب است . این يكی هم طبیب است . من مخالف باطب ایرانی نیستم من عرض مى كنم كه آن طبيعى كه در فن طب ایرانی زحمت كشیده بانبند كه از طب ادویه خبر ندارم هم عرض نیستم . من نمى دانم آمله پرورده را در كجا باید استعمال كرد و او میداند پس این نه مساوي میشود نه اجلى . بنا بر این حالا كه اینكار را میخواهند بكنند باید مجلس امتحان را طوری تشكيل بدهند و در جائى تأسیس كنند كه

در آنجا اطباء مختلفه وجود داشته باشند يك نفر طبیب حاذق ایرانی باشد چند نفر طبیب ديگر باشند و در تحت نظر آنها و در تحت شرایط معین امتحان آنها شروع بشود . بعضی از آقایان میفرمایند اگر بخواهيم يك عده اشخاصی را از راههای دور بطلبیم كه بیایند در مركز و امتحان بدهند برایشان اسباب زحمت میشود ولی حالا باید به بینیم آیا این زحمت اینقدر هست كه مساوی با مرك يك نفر بشود ؟ البته خیر . از آقایان میپرسم كه اگر كلفت یا نوكر شما ناخوش باشد آیا او را میدهید بدست يك نفر طبیب یا استشهدا ؟ تصور نمى كنم همچو كاری بكنید . بنده عرض میکنم وقتی كه ما بخود مان روا نمى داریم ديگران هم روا نداشته باشیم . باید برعایای بد بخت بیچاره كه در آن صفحات افتاده اند و همه آقایان هم مى دانند كه آنها از امور صحی كاملاً بی نصیب اند آنها را ملاحظه كرد و رعایت نمود و جان شان را حفظ كرد . باید آنها را خیلی خدمت بهشان بكنیم آنها هستند كه بما زوت میدهند . آنها هستند كه میتوانند ملكت ما را روبرقى ببرند . و زراعت و فلاحت مملكت ما را ناهین كنند . ما هم باید در مقابل وسائل صحیه آنها را فراهم كنیم . اما چه جور شما ضمايم مى كنید این مطلب را ؟ وقتی در این جا مى نویسند بكسانی كه اجازه نامه طبابت داده خواهد شد فقط حق استعمال ادویه خواهند داشت كه در حدود معلومات آنها باشد بنده میپرسم شما كه این را مینویسید چطور اجراء مى شود ؟ خیلی خوب مى گوئید كه شما حق ندارید جز فنانستین و انقی برین و پیرامیدون و اسپرین بدهید یا حق ندارید جز حصبه و مالاریا و سایر امراض را كه مهم نیست معالجه نهائید ولی شما كجا آتوقه كه درد كوه یا در دهات بر جمعیت و قضبات آن شخصی كه مبتلا به پونومونی شد یا ذات الریه گرفت شما اطمینان دارید كه این شخص میگوید كه من نمیتوانم معالجه كنم و شخص ديگرى را بیاورید ؟ اگر

شما این اطمینان را میدهید كه خیلی خوب بنده هم حرفى ندارم . اگر مى فرمائید این شخص مطابق معلوماتی كه داشته باز اجازه داده اند و از آن نخطی نخواهد كرد و مسئولیت را آقایان بعهده میگیرند كه بنده حرفى ندارم برای اینکه اینجا موقع مسئولیت است على ای حال خواستم عرض كنم كه این امتحانات باید اقلادر جاهائی بشود كه در آنجا يك عده طبیب مخصوصاً اطباء ایرانی هم باشند و ديگرى هم كه تازه از اروپا آمده و بر نخورده باستعمال ادویه ایرانی باشند اینها به نشینند باهم امتحان كنند اشخاص را و تصدیق صحیح بدهند نه آنطورىكه در این لایحه نوشته اند ديگران كه در اینجا نوشته اند مدت امتحانات مذكوره از تاریخ تصویب این قانون تا يكسال خواهد بود بنده خواستم استدعا كنم كه آقایان اجازه بدهند كه در این جا اضافه شود پس از مدت يكسال هیچكس به هیچ اسم و رسم حق نخواهد داشت طبابت كند مگر از كلاس بیرون آمده باشد

بامداد . . . پیشنهاد كنید .
دكتر سنگ - چشم در موقعش پیشنهاد میکنم .
حالا خواستم تذكر بدهم خدمت حضرت عالی و سایر آقایان كه بهتر از بنده مى توانید پیشنهاد بفرمائید . عرایض بنده برای این است كه مختصر بهره از این فن دارم و بعد خودتان البته هر طور كه صلاح میدانید همان طور رفتار مى كنید . این بود عرایض بنده
دكتر طاهری (مخبر كمیسیون معارف) - نماینده محترم حقیقه مخالفتی با این لایحه نداشتند بلکه اهمیت مطلب را خواستند برسانند كه قضیه حیاتی است و باید لایحه اش با دقت تصویب شود . برای امر طبابت قانونی در سوم جمادی الاخر هزار و سیصد و بیست و نه در مجلس وضع شد كه اطباء را محدود مى كرده است بدو قسمت اطباء مجاز و غیر مجاز . طبائى كه از مدارس دولتی خارجه . یا داخله دیپلم داشته اند مجاز بودند و بقیه را با يك شرایطی از قبیل اشتغال با امر طبابت مدت

پنجسال و ده سال اجازه میدادند و بواسطه اینکه در سابق بقانون چندان اهمیت ووقعی گذاشته نمی شد اشخاصی بودند که برطبق قانون طبابت برای اخذ اجازه نامه طبابت مسامحه می کرده اند. وغالباً در ولایات اشخاصی هستند در صورتیکه سالی متوالی طبابت اشتغال داشته اند اجازه نگرفته اند همینطور کسانی هستند که بعد از آن قانون يك نحصیلاتی کرده اند که غیر منظم بوده و کلاسیکی نبوده پیش دکترها نحصیلات کلینیکی می کرده اند و عملیات را میدیدند و درس می خواندند. بر طبق قانونی که سابقاً از مجلس گذشته مدت دادن اجازه هم منقضی شده است و اشخاصی که دارای اجازه نیستند از طرف وزارت معارف و وزارت داخله جلوگیری از ایشان میشود از طرفی هم دولت و صحیه و مردم بواسطه این که اطباء دیپلمه بقدر کفایت نیستند در مضیقه و فشار هستند و حالا که صحیه يك پیشرفتی کرده موفق شده است که گاهی بيك ولايتی يك نفر طبیب بفرستد ولی بعضی از ولایات هست که هنوز هم طبیب دیپلمه ندارد مثل رشیز که آقای زوار همه روزه شکایت میکنند بر فرض که يك نفر طبیب دیپلمه هم بفرستید برای آن شهر و حومه آن که کافی نیست از آن طرف هم وزارت داخله جلوگیری میکند از اطبای غیر مجاز محلی در صورتی که بین اینها هستند يك اشخاصی که حقیقه عالم و حاذق هستند البته اشخاص بی سواد هم دارند ولی کسانی هم هستند که ده سال بیست سال است مشغول طبابت اند و مردم هم کاملاً بانها اعتماد دارند ولی اجازه نامه هنوز نگرفته اند و بی سوادانی هم هستند که باشار لاتانی و تقلب داخل در طبابت شده اند البته باید از آنها جلوگیری بشود خلاصه بموجب قانونی که از مجلس گذشته مدت اجازه دادن گذشته و وزارت داخله و معارف جلوگیری می کنند مردم هم در مضیقه هستند و متصل شکایت می کنند بوزارت داخله و وزارت معارف و صحیه کل مملکتی که مابه بعضی از این اطباء خودمان معتقدیم

و اجازه بدهید طبابت کنند. دولت هم اگر بخواهد اجازه ندهد که طبیب ندارد بآن جاها بفرستد اگر هم بخواهد اجازه بدهد که مخالف قانون رفتار کرده است پس برای رفع این اشکال وزارت معارف صلاح دانسته که لایحه برای اصلاح قانون سابق تقدیم مجلس شورای ملی بکند لایحه را هم دادند کمیسیون هم درش نظر کرد و خبرش را داد بطوری که قرائت شد. بعلاوه این لایحه دوشوری است و دو باره مطرح میشود مذاکره میشود و آقایان هر نظری دارند البته می فرمایند و پیشنهادات میدهند و می آید به کمیسیون در آنجا تجدید نظر درش می شود و تأیید بمجلس تقدیم میشود.

اما فرمایشاتی که همکار محترم آقای دکتر سنک فرمودند اساساً صحیح است نظر با اهمیت طبابت هر چه فرمایند کم گفته اند ولی ایرادانی که فرمودند چیزی نبود که در این لایحه مؤثر و وارد باشد. یکی اینکه فرمودند که نوشته است که ده سال معالجه و اشتغال به طبابت را کافی دانسته ایم برای اجازه. در صورتیکه ممکن است ده سال اشتغال داشته باشد و سواد نداشته باشد. اینطور نیست برای اینکه در لایحه نوشته شده است که اگر ده سال سابقه داشته باشد نازه اجازه دارند بیایند امتحان بشوند نه اینکه ده سال اگر مشغول بود اجازه طبابت دارد. این ده سال را شرط اینکه در امتحان قبول شوند قرار داده اند. اما اینکه فرمودند امتحان باید جایی باشد که طبیب باشد البته هیئت متحنه اطبا هستند و الا غیر از طبیب که از طب امتحان نمی کنند. و اینکه فرمودند در بعضی ولایات امتحان ممکن نیست، در هرات و ولایتی که ممکن بود هیئت متحنه مطابق دستور وزارت معارف تشکیل میشود و امتحان میکنند و هر جا که ممکن نشد به نقطه نزدیکتری که ممکن است میروند، مثلاً اگر طبیب قشه یا ابرقو را بخواهند امتحان کنند هیئت متحنه اش از اصفهان می رود، اینجا مینویسد محل امتحان در

وزارت معارف و مراکز ابالات و ولایات تشکیل خواهد شد. مراکز ابالات و ولایات مقصود این است که در قراء و قصباتش دیگر میروند باید طبیب بیاید در مرکز آن شهر. اینکه فرمودند مدت امتحانات یکسال خواهد بود و باید تصریح شود که بعد از آن دیگر نمی پذیرند این البته واضح است و معلوم است که پس از یکسال دیگر پذیرفته نمی شوند معیناً پیشنهاد فرمائید مخالفی ندارد.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم.

رئیس -- آقای احتشامزاده

احتشامزاده -- موافقم.

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- بنده تصور میکنم که نظیر این لایحه در هیچ پارلمانی در دنیا برای تصویب نیامده برای این که مخصوصاً فن طبابت يك فنی است که باید تأمین حیات جامعه را بکند و يك شخصی بدون اینکه مراحل علمی را در مدرسه طی کند به او جواز طبابت و دیپلم داده شود، این چیز عجیبی است! ما قانونی میخواهیم بگذرانیم که اشخاصی که مدرسه ندیده اند مثل اشخاص مدرسه دیده حق دارند دخالت در حیات مردم بکنند! ولی در عین حال از يك طرف همانطور که آقای دکتر فرمودند مملکت از حیث طبیب فقیر است و دولت را وادار کرده است که يك صورتی به این کار بدهد، این رو بهمرفته يك کار سهل و آسانی نیست که بدون مطالعه اجازه داده شود به يك اشخاصی که بفرمایش آقای دکتر سنک آنطور برود طبابت کنند و خیر روی سر حصه بگذارد. ولی ممکن است در تمام مملکت پنج تا ده تا طبیب وجود داشته باشد که در نتیجه نحصیلات قدیمه و در نتیجه امتحاناتی که در عمل کرده اند بقدر عشر بکنفر طبیبی که در مدرسه اطلاعات پیدا کرده معلومات

و اطلاع داشته باشد، ولی در هر حال نمیشود این را شامل عموم قرار داد ممکن است يك کسی همانطور که فرمودند برود يك استشهادی بیاورد که ده سال آقا طبابت کرده است و در مجلس امتحانی که آقای مخبر اشاره فرمودند حاضر شود و بايك وسایلی امتحان داده و اجازه طبابت به او بدهند. آقای دکتر که مخبر محترم هستند خودشان تصدیق میکنند طبیبی که از مدرسه بیرون میاید و میخواهند به او دیپلم بدهند بالاخره باید برود در کلینیک ها و در مریضخانه عمل کند و تمام مدارجی را که در طی تحصیل طی کرده است باید عمل نشان بدهد باید جراحی و عمل های مشکل را ببیند تا اینکه دیپلم به او بدهند، بنده نمیدانم در ابرقو این وسایل را از کجا فراهم میکنند بر فرض يك نفر دکتر دیپلمه هم برود امتحان کند این وسایل و اسباب را از کجا فراهم می آورد که امتحان کند، در هر صورت بنده همانطور که عرض کردم معتقد نیستم که ما يك قانونی را بگذرانیم که کسی که مدارج علمی را طی نکرده است بجای يك نفری که مراحل علمی را طی کرده است به نشیند، این قبیل قوانین بی سابقه است. بنده معتقدم اقلماً ما يك مراحل بالاری را قائل شویم، مثلاً این چند نفری را که آقای دکتر اسم بردند که بنده هم سراغ دارم در اصفهان دو سه نفرشان هستند طبیب خیلی خوب می باشند ولی مدرسه را طی نکرده اند اینها باید بیایند بمرکز و اقلایك سال در کلاسی که در مدرسه طب تأسیس میشود بطور عملی تحصیل کنند البته کسی که میخواهد يك ورقه در دست داشته باشد و بجای يك نفر طبیب زحمت کشیده کار کند و پول از مردم بگیرد باید يك سال هم زحمت بکشد یعنی پس از اینکه مدارجی را که ذکر شده طی کرد که ده سال طبابت کرده و امتحان داده نازه باید يك سال برود در مدرسه عملاً کار کنند پس از يكسال عمل به بینند مابۀ علمی

و معلوماتش بقدری رسیده است که میتواند مثل سایرین ادویه فرنگی را از روی میزان صحیح استعمال کنند آنوقت اجازه طبابت باو داده شود و الا اجازه داده نشود. ملاحظه فرمائید این قبیل اطبائی که نمیتوانند اسم ادویه فرنگی را بخوانند و اسم ادویه اروپائی را بفارسی می نویسند و آقاییکه باحروف زبان خارجی آشنائی دارند می دانند ممکن نیست يك كلمه اروپائی را که بحروف فارسی نوشته است بشود خواند، مقدارش را هم نمیدانند چون فورمول نمیدانند و کتاب ندیده اند و خیال میکنند همان طور که گنه گنه را میشود دوسه نخود استعمال کرد سایر ادویه را هم ممکن است استعمال نمود اینها اسباب يك خطرانی برای افراد مملکت فراهم خواهد کرد و بنده تصور می کنم به این اسانی ما يك قانونی را بگذرانیم صحیح نباشد. البته شور اول است این ها نظریاتی است که میگویم و تا حدی که عدم اطلاع ما از فن طبابت اجازه میداده است بنده عرض میکنم البته کمیسیون باید دکتر هائی که در مجلس داریم دعوت کنند و از اداره صحیه هم نماینده بخواهد درست است که این لایحه از وزارت معارف رسیده ولی مربوط به صحیه است از اداره صحیه نماینده می آید و در اطراف این قضیه بیشتر مطالعه میکنند و با يك وضعی لایحه را تهیه میکنند که اشخاصی که در طی چندین سال معلوماتی پیدا کرده اند محروم از طبابت نباشند و آرا می آورند به مجلس ما رأی میدهیم و الا يك کسی يك استشهادی بیاورد که من ده سال طبابت کرده ام و در مقابل اطباء دیپلمه کار کند تصور نمیکنم صلاح باشد.

مخبر - این که نماینده محترم فرمودند سابقه ندارد ایران فرانسه نیست سابقه اش همین است و این يك اختلاف لفظی است و اختلافی ما بین ما و شما نیست، شما میگوئید کسی را بی امتحان قبول نکنند ما هم همین را میگوئیم...

شیروانی - امتحان عملی.

مخبر - در امتحان هر شرط را که میخواهید بکنید وزارت معارف پیشنهاد نکرده است که بدون امتحان به کسی اجازه داده شود بالاخره مأخذ امتحان است امتحان را میفرمائید در مرکز باشد، در مرکز امتحان شود، شرایط امتحان را سخت تر قرار بدهند، بالاخره این را باید همه ما قبول کنیم. که در مملکتی که وسائل تحصیل نداشته است به يك اشخاصی که يك اطلاعاتی پیدا کرده اند و يك زحمتی کشیده اند اجازه باید داده شود که امتحان بدهند و متمکنین آرا امتحان بکنند و در حدود معلومات او اجازه بدهند که ادویه را استعمال کنند. اما راجع به اینکه وقتی اجازه دادیم چطور محدود میشود، این جمله را که عبارت (فقط حق استعمال ادویه را خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد) لایحه دولت نداشته، بنده در کمیسیون اظهار کردم که خوب است نوشته شود به آن ها اجازه استعمال ادویه تباقی فقط داده میشود زیرا که ادویه تباقی يك ضرر معتناهی نمی بخشد و موافقت شد که این طور نوشته شود که فقط حق استعمال ادویه را خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد، اینها باید در نظامنامه این قانون که وزارت معارف برای هیئت متمکنه تهیه میکنند قید شود و اجازه آنها باید محدود باشد نه اینکه آنها اختیار داشته باشند که ادویه عالیة سمی از قبیل استرکینین و سایر ادویه مخدره استعمال کنند، البته بنده هم موافقم که باید محدود باشند ولی همه موافقم که يك عده اشخاصی که زحمت کشیده اند و سالها مشغول طبابت بوده اند و مدعی علم هستند امتحان شوند اگر از امتحان خوب بیرون آمدند به آنها اجازه داده شود و الا اگر نتوانستند امتحان بدهند ممنوع میشوند و از يك طرف هم جلوگیری از اشخاصی که حقیقة عالم هستند نشده است و اهالی از وجود آنها استفاده می کنند. در ولایات طبیب دیپلمه نیست و اطبائی هم که در

طهران هستند اگر دو برابر هم حقوق بانها داده شود حاضر نمیشوند، سه برابر هم داده شود حاضر نمیشوند روند به ولایات...
دکتر سنک - مجبورشان کنید.
مخبر - ایر است که بعقیده بنده در اصل لایحه مخالفتی نداریم باید اینها امتحان شوند نامعلوم شود اگر از امتحان خوب بیرون آمدند در حدود معلومات آنها به آنها اجازه بدهند و اگر از امتحان بیرون نیامدند ممنوع میشوند.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده به يك نظری با این لایحه مخالف هستم و الا مخالفت کلی ندارم و آن نظرم این است که همه آقایان مسبقند که امروز در مملکت ما طبیب دیپلمه نداریم، يك عده در مرکز هستند هر چه بخواهیم بیرون بفرستیم نخواهند رفت مگر این که يك حقوق گزافی که از حدود وسع مملکت خارج است به آنها بدهیم، در خارج هم طبیبی نداریم غیر از همان هائیکه در ضمن تجربیات و عملیات پنجساله و ده ساله و بیست ساله يك عملیاتی کرده اند و با ریشه کاسنی و عناب و این چیزها معالجه میکنند، اگر این لایحه بگذرد در صورتی که ما طبیب دیپلمه در مدارس جدید تهیه نکرده باشیم سبب خواهد شد اشخاصی که سالها است در سایه تجربیات و عملیات طبابت کرده اند و عجاله موفق شده اند

(شاید خدای نخواستہ يك وقت يك نفر را هم تلف کرده باشند اما با وجود این نفعشان بیش از ضررشان است) حالا آمدند در این ده گفتند این طبیب امتحان نداده است و حق ندارد طبابت کند طبیب دیگری هم نیست آنوقت اهل ده به که رجوع کنند؟ باید به همان حال بمانند در صورتیکه آن طبیبی که دارند با گل بنفشه و روغن کرچک آنها را معالجه میکنند حالا مقایسه کنیم کدام بهتر است این مسئله را هم در نظر بگیرید و رأی بدهیم رئیس - آقای بامداد

بامداد - آقایان مخالفین گرچه مخالفتشان در طرز عمل است معذالك که اگر رجوع فرمائید بکفداری به تاریخچه طبابت قبل از قانونی که در ۱۳۲۹ گذشته آنوقت تصدیق میفرمائید که وزارت معارف چاره نداشته جز این که این قانون را برای اصلاح قانون سابق به مجلس بیاورد طبابت ما عبارت از چه بود؟ عبارت از این بود که يك یا چند نفری میرفتند در محکمه يك طبیب و شروع میکردند نزد او درس خواندن و نسخه نوشتن و بعد از چند سال شریک عملیات او شدن آنوقت یا خود او اجازه میداد که حالا وقتش است یا بدون اجازه میرفتند و يك محکمه باز میکردند. بعد از آن که مدرسه طب تأسیس شد البته باید به این قضیه خانم داده شود که هر کسی زود يك دکان باز کند یا يك اطاق بیرونش را محکمه قرار دهد. قانون سابق اجازه داد که در ظرف یکسال هر کسی که مشغول طبابت است باید بیاید اجازه بگیرد بدون امتحان قانون پیش بدون امتحان بود و بعد از این طبیب با باید دیپلمه خارجه باشد یا مدرسه طب داخله، قوانین نزد مردم آنقدر مورد توجه نبود چنانچه الان هم مورد توجه نیست یعنی نمیخوانند که به بینند چه طور تدوین شده و عمل کنند این بود که اطباء عقب اجازه نیامدند پس از یکسال شروع شد به منع کردن داد و بیدادها بلند شد. این بود که يك سال تمدد داده شد باز هم نیامدند. الان در ولایات (هر کسیکه مبتلا شده

است خوب میدانند) يك عده هستند که آنها را هیچ کاری نمیشود کرد، در دوسیه های وزارت معارف که رجوع بفرمائید می بینید اقبالاً بانصد حکم صادر شده که چرا قانون طبابت را اجرا نمی کنند. متحدالآل ها صادر شده. امنای معارف هم بحکومت و نظمیته ها رجوع کرده اند و بالاخره نتوانسته اند اجرا کنند، در بعضی جاها مردم ایستادگی کرده اند که خیر ما این طبیب هارا میخواهیم و يك قسمت از اینها اشخاصی هستند که اهمیت دارند برای طبابت و از عمل آنها مردم راضیند و امراضی که معمول به ایران است کاملاً از عهدهء معالجه آنها برمی آید که حتی اطبای فرنگی در بعضی موارد به آنها رجوع میکنند...

دکتر سنک - چه میفرمائید آقا؟

بامداد - عرض میکنم در تیفوس و حصه بآنها رجوع میکنند. مرض مملکتی است...

دکتر سنک - پس شما منکر طبیب دیپلمه هستید!؟

آقا سید یعقوب - مرض مملکتی جهل است.

(صدای زنک رئیس)

بامداد - باری چون آن قانون عملی نشد وزارت معارف ناچار شد که این قانون را برای اصلاح قانون سابق به مجلس آورد و این قانون را فقط وزارت معارف پیشنهاد نکرده است و خود او تهیه نکرده است بلکه در نتیجه چندسال مذاکرات معالمن مدرسه طب که عموماً از اطباء دیپلمه معروف هستند تهیه شده و بانظر آقایان مخالفتی ندارد. میگوید: کسی که ده سال عمل کرده و از عهده امتحان برآمد به او اجازه داده می شود آن هم در حدود معلومات او به او اجازه میدهند و البته امتحان هم کاملاً در تحت نظارت وزارت معارف بعمل می آید و در قانون هم تصریح شده مرکز امتحان هم در جوشقان تشکیل نمی شود که ممتحن صحیح نباشد. در مراکز ایالات و ولایات مهمه مرکز امتحان تشکیل می شود و يك متحدالالی به تمام جاها میفرستند که هر

مخصوصاً این لایحه که بنده گمان میکردم برای مملکت مفید است حالا می بینم نودنش و نبودنش هر دو مضر است والان با دلیل و برهان عرض میکنم. وزارت معارف يك مجلس امتحانی تشکیل میدهد و يك فضلائی که ساها در طب زحمت کشیده اند که میتوانم بگویم نانی اینین بقراط و جالینوس هستند نمی آیند پیش این طبائی که نازده از نوری مدرسه طب بیرون آمده اند امتحان بدهند. حالا این بودنش. اما نبودنش. در طهران آنها می که هستند و قوت دارند شکایت میکنند، آقای مدرس را واسطه میکنند، جلوی آقای رئیس را می گیرند و مستثنی می شوند ولی در ولایات مأمور صحبه همان میرغضب - هائی که خود نان میدادند جلوی آنها را می گیرند. آن وقت چه کاری کنند؟ طبیب و دکتر هم که ندارند. يك طبائی در ولایات هست که بفرمائید آقای دکتر سنک که فرمودند گفت ذات الریه اش درد میکند. ولی البته يك دکترهای نازده هم هستند که آنقدر آدم کشته اند و در دفعه اول بمحض اینکه آن نمک فرنگی را میدهند یکسر از کوی خرابات برنندش به جهیم - خوب. اگر این لایحه نباشد در ولایات نمیدانم نسبت به مردم چه فشاری می آید؟ برای خاطر اینکه مأمورین معارف که برای اجرای این قانون و جلوگیری از طبائیکه سالهای سال در آنجا طبابت کرده اند و امتحانات کرده اند و زحمت کشیده اند فوراً حاضرند (بنده نمیگویم همه آنها خوبند) ولی یکعده تجربه کرده اند (خود آقای دکتر طاهری و آقای دکتر سنک تصدیق دارند که بالاترین مرتبه علم طبابت تجربه است) فهمیده اند و مراحل معالجه امراضی که در ایران شیوع دارد و وافر است طی کرده اند فوراً مطابق آن قانونی که در دوره دوم گذشته است اداره صحبه و وزارت معارف از آنها جلوگیری میکنند، چرا؟ بعلم اینکه میگوید این طبیب دیپلمه نیست و اجازه ندارد طبابت کند و طبیب مجاز هم آنقدر نداریم که بولایات روانه کنیم مرض هم که از بین نبرد مأمور معارف هم نمیگذارد طبیب

محلی مداوا کنند مردم باین حال چه کار کنند؟ بنده در دوره دوم وکیل نبوده اما اخیراً وکیل بود باو می گفتم رأی باین قانون ندهید، بنده اظهار سوء ظن به دوره دوم نمیکند ولی دکتر در مجلس خیلی بیشتر از این دوره بود. این دوره محمدالله فقط دونا بیشتر نیست آمدند دکترها يك قانونی را گذراندند در صورتیکه تصور نکردند هنوز مملکت ما آنقدر دکتر ندارد، آنقدر طبیب ندارد، آمدند آن قانون را نوشتند و در حقیقت طبابت منحصر شد به دکترهای مرکز. و در ولایات مأمورین وزارت معارف ناچار شدند مطابق آن قانونی که از مجلس گذشته است جلوی آن ها را بگیرند. تمام ولایات صدایشان بلند شد که شما چرا میخواهید جلو گیری کنید؟ مردم هم حق داشتند زیرا آنقدر طبیب نداشتند که به ولایات بفرستند و مردم را معالجه کنند و در مدتی هم که آقای مشار اعظم معاون بودند شاید شکایات زیاد از این باب رسیده است و دولت هم بینی و بین الله در اجرای این قانون در مضیقه بود. حالا که این قانون آمده است این جا به عقیده بنده نفیاً و اثباتاً مضر است و دلیل آنرا هم عرض کردم. حالا هم عرض میکنم که يك مجلس امتحانی معین میکنند. حالا آن مجلس امتحان چه باشد چه ترتیب باشد، در حال شاگردان لسان الحکما که یکی از فضلاء و دانشمندان است نمی آیند در آن مجلس امتحان بدهند والله نمی آیند. در فارس بنده میدانم طبائی هستند که حقیقه دارای معلومات حقیقی طب قدیم هستند. میخواهید آنها بیایند اینجا امتحان بدهند؟ هرگز نخواهند آمد، در تبریز همینطور، پس باید يك فکری کرد. بنده که با این ترتیب امتحان کردن مخالفم و عقیده ام این است که عجلتاً به این طبائی که مشغول هستند یکسال دو سال اجازه بدهید که طبابت کنند کم کم اطباء دیپلمه را زیاد کنید که از وجود آنها مستغنی شوید و الا اگر نخواهید مجلس

يك امتحانی قرار بدهید و همچنین هم همین دکتر هائی باشند که نازد دکتر شده اند و از مدرسه بیرون آمده اند کسی زیر بار نخواهد رفت و با این حال گمان نمیکنم این قانون عملی باشد و آن نظری هم که وزارت معارف دارد که از مضیقه قانون بیرون بیاید بیرون نخواهد آمد این است که با این امتحانات بنده مخالفم .

معاون وزارت معارف - بنده خیال نمیکنم آقای آقا سید یعقوب با اطلاعاتی که خودشان از این موضوع داشتند و این جا بیان فرمودند دیگر نسبت به این لایحه اعتراضی بفرمایند ، معذک جواب اعتراضاتی که فرمودند بنده لازم میدانم خدمتشان عرض کنم . دخالت وزارت معارف در این امر فقط و فقط بموجب آن قانونی بوده است که در سال ۱۳۲۹ از مجلس گذشته است در ماده اول آن قانون تصریح شده است که اطباء نمیتوانند به این شغل مشغول باشند مگر اینکه اجازه نامه از وزارت معارف داشته باشند ، و این وزارت خانه مرجع همه اطباء شده است . در ذیل این ماده مواد دیگری هم هست که در آنجا توضیح داده اند و تصریح کرده اند که اطباء بعد از مدتی که برای آنها معین کرده اند و باید حاضر شوند اگر حاضر نشدند دیگر نمی ترانند بعد از آن تاریخ طبابت کنند مگر اینکه از مدارس طبی داخله یا از مدارس طبی معروف دنیا دیپلم داشته باشند . در آن جا نیز محدود شده است که اشخاصی که از مدارس طبی داخله یا خارجه دیپلم ندارند اگر کمتر از پنجسال طبابت کرده باشند حق ندارند طبابت کنند . بعضی شرایط هم در آن قانون هست که بموجب آن شرایط میتواند اجاره بگیرند . این قانون وقتی که اجرا شد مفاد آن بگوش کسانی که مشغول طبابت بودند نرسیده و مطلع نشده اند از این جهت آنها به مقام شکایت بر آمده اند و دولت های وقت هم به يك ترتیبی با آنها مدارا کرده اند که از شغل طبابت آنها بطور سختی جلو گیری نشده باشد ولی

را تشکیل بدهند اینقدر مسلم و متیقن است که اگر امروز بخواهند نسبت باین قبیل اطباء امتحان کنند خیلی دقیق تر خواهد بود از امتحان کردن یا جواز دادن سنه هزار و سیصد و بیست و نه . این مسلم است . از این بابت نباید نگرانی داشت . حالا این جا گفته میشود : طبائی که می خواهند تحصیل اجازه کنند از نقطه نظر علمی شاید لیاقت نداشته باشند و باید وارد در تحصیلات صحیح شوند . البته خود وزارت معارف که این لایحه را تقدیم کرده است برای تعلیمات يك اصولی دارد تهیه میکند و امیدواری میرود که بعد از این هر کس بخواهد وارد در مراحل علمی بشود و بيك مقصودی برسد باید همه آنها را رعایت کند و طی کند تا بان مقصود برسد . این قدر مسلم است ولی نسبت باشخاص حاضر که الان در ولایات هستند و باسر طبابت اشتغال دارند و خیلی هم طرف توجه و رضایت مردم واقع شده اند بالاخره باید يك تکلیفی معلوم کرد بانه ؟ اگر این قانون نکند . خوب . ما مجبور خواهیم شد که بالمره آنها را از شغل خودشان ممنوع کنیم . وقتی هم ممنوع کردیم باید دید که آیا ما اینقدر طبیب دیپلمه داریم که از طهران بفرستیم بانه ؟ الان هم می بینیم که اینقدر طبیب نداریم که بفرستیم مردم را معالجه کنند و بعلاوه این متضمن مخارج زیادی خواهد بود که اداره صحیه فعلاً نمی تواند تحمل کند . این ها دلائلی بود که وزارت معارف را مجبور کرده است این لایحه را بیاورد اینجا و در این لایحه هم خیلی مشاوره شده است . با صحیه کل و با وزارت داخله صحبت کرده اند . راه حلی پیدا کرده اند و بالاخره این لایحه را تقدیم کرده اند و گمان هم نمی کنم این لایحه آنقدریکه بنظر نمایندگان محترم با عظمت می آید آنقدر هم عظمت ندارد . يك لایحه ساده ایست منتهی از نقطه نظر اینکه دچار يك خلاف قانونهایی نشویم آورده ایم و استدعا میکنم آقایان هم موافقت بفرمایند و رأی بدهند .

رئیس - آقای افسر

افسر - البته برای هر يك از این مطالب که اینجا ذکر شد قانون لازم است و همان قانون ناقصی که بعقیده بنده در دوره دوم گذشته است خیلی مفید بوده است . البته آنوقت هم يك قسمت از لاعلاجی بوده است یعنی آنوقت فکر کردیم شش نفر از طبائی که در مجلس بودند گفتند که احتمال میرود در تمام ایران صدوسی یا صدو چهل نفر طبیب لایق برای طبابت بیشتر نباشد و بان جمله دیدیم که يك ولایات خیلی بزرگ هیچ طبیب ندارد در صورتیکه اگر بکلی ممنوع بداریم نمیتوانیم عوضش را از کجا تهیه کنیم با این فقدان وسائل . مثلاً تصدیق می فرمائید راه آهن البته بهتر از شتر است ولی اگر راه آهن نداشته باشیم نمی توانیم قدغن کنیم که دیگر نباید سوار شتر هم شد و باید پیاده راه رفت . خیر . اینطور نیست . البته آنوقت خواستند موجبات این کار و تهیه اطباء دیپلمه بتدریج صورت بگیرد ولی متأسفانه آن طوری که انتظار داشتیم نشد و در ظرف این هیجده سال طبیب زیاد نشد بلکه يك عده هم که بودند رفتند با ادارات دولتی . ولی يك قسمت از علل مخالفت بنده راجع بامتحان است که در این جا ذکر شده . در اجرای همین قانون آقایان ملاحظه فرمودند يك اشخاصی که دوا فروش بودند آمدند و با اینکه يك اطلاعات خیلی قلیل و ناقصی داشتند تحصیل جواز کردند و مجاز شدند و شاید دو بیست نفر از روی استسهاد و مدرک اجازه طبابت گرفته اند ولی يك عده از طبای محترم همانطور که یکی از آقایان فرمودند نیامدند دنبالش و ماندند بدون اجازه . مثلاً خاطر آقایان را متوجه می کنم بيك قضیه . در دوره دوم برای چهار نفر از آقایان اطباء به تصدیق مرحوم صدر الاطباء خراسانی که این جا وکیل بودند تصدیق و جواز وزارت معارف گرفته شد وقتی که بخود او رسید اجازه نمیدادند و می گفتند دو نفر از از همان طبائی که همین شخص تصدیق طبابت آنها را

کرده باید تصدیق کنند. چیز عجیبی است! گفتند مثل او طبیب در خراسان نیست. وزارت معارف می گفت باشد آنها تصدیق کنند. هر چه می خواستیم بگوئیم دور لازم می آید نشد تا بالاخره به يك زحمتی آن کار گذشت و مخالفت بنده هم در اینجا راجع بیک توضیحی است که میخوام بدهند و آن این است که در اینجا نوشته شده است در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت به آنها داده خواهد شد و فقط حق استعمال ادویه را خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد. اشکال بنده اینجا است که دواها مختلف است ممکن است يك دوائی از نقطه نظر دوا شناسی اثرات خوبی داشته باشد که بدانند خوب دوائی است و مقدار خوراکی چقدر است ولی ممکن است در امراض مختلفه استعمال شود یا اینکه دوائی باشد که برای مالیدن خوب باشد ولی خوردنش آدم را بکشد. یا يك دوائی باشد که هم در امراض خیلی سخت و هم در امراض عادی تجویز شود آیا مقصود چیست؟ اگر مثلاً يك دوائی مثل استرکینین همینقدر بداند که در چه امراض مورد استعمال دارد مجاز خواهد بود؟ یا اینکه خیربایستی خاصیت آن دوا و مقدار آن را بشناسد یا اینکه اگر تمام امراضی را که آن دوا در آنها محل استعمال دارد شناخت حق استعمال نخواهد داشت؟ یا اینکه مقصود يك قسمت از امراض است. عقیده بنده اینست که اگر يك ماده اینطور تنظیم میشد که در هر يك از شعب طب که توانست امتحان بدهد حق معالجه همانها را داشته باشد این بهتر بود ولی بمجرد اینکه امتحان میدهد که فلان دوا مناسب با فلان مرض است این عموم و خصوص من وجه است زیرا ممکن است يك مرض چندین دوا داشته باشد خوبست این را توضیح بدهند که در موقع جریان اسباب زحمت نشود يك شخصی از نقطه نظر دوا شناسی و تراپوتیک يك دوائی را می شناسد ولی تمام امراضی را که این دوا در آنها استعمال

میشود نمی شناسد حالا بنده میخوام بدانم آیا معلومات این شخص نسبت بدوامت با نسبت به طبابت است با نسبت بقسمت عمل این را توضیح بدهند
مخبر - چنانچه قبلاً هم عرض کردم در کمیسیون يك مذاکرانی شد بنده در اینجا يك پیشنهادی کردم (در لایحه دولت نبود) پیشنهاد کردم که نوشته شود این اطباء فقط حق استعمال ادویه نباتی را داشته باشند ولی چون بعضی ادویه جدیده هست که مثل ادویه نباتی است و ضرر زیادی هم ندارد از این جهت موافقت شد که در حدود معلومات آنها اجازه داده شود. البته این يك عبارت کلی است و همانطور که آقای معاون فرمودند در موقعی که نظامنامه مربوطه به این قانون نوشته میشود باید تصریح شود که مقصود از اینکه در حدود معلومات آنها اجازه داده میشود چیست؟ این نظری که نماینده محترم اظهار کردند که تخصص در هر قسمتی که داشت به او اجازه داده شود این غیر از چیزی است که ما در اینجا نوشتیم و باید پیشنهادی بفرمایند که آن نظریه را هم نامین کنند و مقصود از این عبارت این است که اینها معلوماتشان لابد در جانی دارد یکی هست که وقتی امتحان داد تمام شعب طب را امتحان میدهد و مورد استعمال ادویه قدیم و جدید را هم میداند در اینصورت به او اجازه داده میشود که مثل اشخاص دیپلمه طبابت کنند یکی است که معلوماتش منحصر به طب قدیم است در اجازه نامه اش قید می شود که باید بر طبق طب قدیم طبابت کند و ادویه جدید را استعمال نکند و آن نظری را که حضرت والا اظهار میفرمایند که فرضاً اگر کسی در قسمت معالجه سالک امتحان می دهد بگویند نو فقط این قسمت را معالجه کن این غیر از آن است و البته میتواند پیشنهاد بفرمایند.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عوض اینکه يك تسهیلانی نسبت به چند نفر از فضلا که آقای آقا سید یعقوب فرمودند

فراهم بیاوریم و بقول خود ایشان بیک صورت قانون می آید در مجلس که ما مجبوریم با حق مشروع آن فضلا هم مخالفت کنیم در يك عصری که دنیا وقتی میخواهد دیپلم بدهد بطیب پس از آنکه طی تمام مراحل علمی را کرده است آنوقت باید برود و در يك رشته بخصوصی چندین سال تحصیل کند و زحمت بکشد آنوقت به آن دکترا يك سندی میدهند که در همان رشته بخصوص حق طبابت دارد در يك چنین عصری که دنیا اینطور کار میکند ما قانون بنویسیم و بیک کسی که ده سال بقول خودش طبابت کرده اجازه بدهیم که در تمام امراض (که در اروپا هر یکیش را يك فرد بخصوص دخالت میکند دست. سر. چشم) مداخله بکند بقول آقای دکتر سنگ خبر روی سر مریض بگذارد و يك جواز می هم در دستش میدهند و يك مجلس هم بطوریکه در قانون نوشته تشکیل میشود که در آنجا امتحان بدهد بنده نمیدانم که این چه مجلس است. و چطور ممکن است در آن واحد بطوریکه فرمودند بکنند را امتحان کرد زیرا امتحان فنی باید در عمل معلوم شود و يك مدت عدیدی باید باشد تا معلوم شود که این شخص از عهده برمی آید یا نه؟ نه اینکه چند نفر دکترا دور هم جمع شوند و بیک شخصی که ادعا میکند يك اجازه بدهند که برود آدم بکشد در عصری که در سایر ممالک اینطور کار میکنند ما برعکس عمل کنیم و رو به ارتجاع رویم! یکی از رفقای مطلع میگفت که در اروپا شغل آزاد بطوری آزاد است که در آنها همیشه سعی میکنند که کار مداخله در مشاغل آزاد بکنند مثل بکنند میکاپیک و بکنند مهندس یا کارخانه چی باید بقدری آزاد باشد که دولت هیچ قسم تعرضی نسبت به آنها نداشته باشد فقط دو شغل است که حتماً باید در تحت نظر دولت باشد یکی طبیب دیگری وکیل مدافع (آرکا) یعنی کسانی که جان و مال مردم در دستشان است نباید بقسمی آزاد باشند که هر کاری

دلشان میخواهد بکنند اینها باید در تحت قوانینی باشند که جان و مال مردم در دست اینها مصون باشد ما حالا آنها را کار نداریم شغل آزاد را برای همه کس آزاد گذاشته ایم در اینجا بکفتری هم راهش را باز کرده ایم که غیر دکترا هم بتواند بگوید من دکترا یعنی بمجرد اینکه بگوید من ده سال طبابت کرده ام و تفاوت بین اسپیرن و گنه گنه را هم اظهار کند آنوقت يك جواز آدم کشی در دستش بدهیم و چنانچه عرض کردم درست کار هی ما دارد رو به ارتجاع میرود. يك معایبی که در سایر قوانین با نظامنامه های بی ربط می بینند آنها را می چسبند و دو دستی حفظ میکنند. و برای اینکه آن قانون بانها راه نمیدهد يك قانون دیگری که فوق آن غلط اولی است بدست ما میدهند که تصویب کنیم. تحصیلات در دنیا دو قسم است يك عده اشخاصی هستند که وارد میشوند در مدرسه ابتدائی و متوسط و طب با فنون دیگر و بالاخره مدارس عالی را هم طی میکنند و دیپلم میگیرند و میروند بی کارشان و يك قسم دیگر هم تحصیلی است که تمام مدارس در موقع امتحان اعلان میکنند که تا کلاس چندم فلان مدرسه امتحان میکنند و او طلبان بیایند و امتحان بدهند آن وقت آن فضائلی هم که آقای افسر فرمودند اگر دیدند که دیپلم در دستشان میدهند و مثل سایر اطباء فاضل که طی تمام مدارج علمی را کرده اند با او هم همینطور معامله میشود البته او هم خیلی افتخار میکند که بیاید همچو سندی را بگیرد و می آید مثل همان طبائلی که از مدرسه ابتدائی مدارس عالی رفته اند و بیرون آمده اند امتحان میدهد و دیپلم میگیرد. شخص فاضل بییمی ندارد از اینکه امتحان بدهد خواه کلاسیکی تحصیل کرده باشد یا در خارج از روی تجربیات و کتاب معلومات پیدا کرده باشد. در موقع امتحان میآید امتحان میدهد و میرود مشغول طبابت میشود حالا بر داشته اند يك نظامنامه نوشته اند کسی که می خواهد

وارد مدرسه طب بشود حتماً باید دوره متوسطه را دیده باشد بنده تصدیق دارم که برای فهمیدن يك معلومات عالی يك مقدمانی لازم است ولي آیا طب تاریخ هم لازم دارد؟ یا آن برگزیده های غریب و عجیب مدارس متوسطه بالاخره باید يك دوره کامل ادبیات و فقه و اصول تمام اینها را باید بخواند تا برود در مدرسه طب. بنده عرض میکنم کسی که استعداد داشته باشد و ریاضیات را کامل کرده باشد شیمی و فیزیک را هم دیده باشد او میتواند وارد مدرسه طب بشود تاریخ و جغرافی همان اندازه که در مدرسه ابتدائی خوانده است کافی است. شما در مدرسه طب را بروی همه کس بسته اید در اینصورت چطور میتواند کسی از خارج بیاید و امتحان بدهد؟ و بالاخره اینها يك معایبی است که حالا دولت بهش بر خورده و نمیداند چطور حل کند. حالا بنده يك مثلی عرض میکنم در اصفهان يك مدرسه ایست که میسیون مذهبی انگلیسها تاسیس کرده است و يك مریضخانه خیلی عالی که در ایران نظیر ندارد دکتر های خیلی عالی آورده اند در آنجا و بگفته شاگردان مدارس ابتدائی بلکه کمتر یعنی در خارج يك تحصیلات ابتدائی کرده اند میروند در آن مریضخانه و کار میکنند. ما الان دکتر در اصفهان داریم که از تمام دکتر ها بهتر است آمد در اینجا دیپلم بهش ندادند رفت در انگلستان و در آنجا امتحان داد و دیپلم گرفت. دکتر فیثاغوری یکسال آمد طهران زحمت کشید دیپلم بهش ندادند رفت در انگلستان دیپلم گرفت و برگشت خوب این شخص بیست و یکسال در مریضخانه انگلیس ها کار کرده بود و معلومات داشت رفت در آنجا امتحان داد و دیپلم گرفت الان در آن مریضخانه سالی چند نفر تربیت میکنند که هر يك ده سال یا نوزده سال کار کرده اند اگر بیایند در اینجا و امتحان بدهند خیلی بهتر از شاگردان امروزه امتحان میدهند. اینها را نمیتواند بپذیرند چرا؟ برای این که نظامنامه در وزارت معارف را بروی

کنند و در خارج تحصیلاتی کرده اند بتوانند امتحان بدهند و خودشان را در مسابقه با يك کسیکه تحصیل کلاسیکی کرده شریک کنند و سند لیاقت خود شان را در یافت دارند و بالاخره متخصصینی در وزارت معارف بیایند و بنشینند و يك لایحه تنظیم کنند و بدهند بوزارت معارف. وزارت معارف هم بیاورد اینجا و ما تصویب کنیم. و تا وقتی که این نظامنامه در آنجا گذاشته شده در مدرسه طب را بسته اند و از اینطرف هم سندی بدست اشخاص بدهند که هم آن مضر است و هم این. این بود عرایض بنده.

معاون وزارت معارف - آقای شیروانی يك مطالب کوچکی را خیلی طولانی میکنند و این هم يك قوه ایست که مخصوص بخودشان است. در ضمن بیاناتی که فرمودند چیزی که بنظر بنده قابل ملاحظه آمد این است که داو طلبها همیشه در موقع امتحان در هر جای دنیا حاضر میشوند و میگه بند ما داو طلب امتحان هستیم و البته فرمایشات ایشان صحیح است و هر کس هم که در این مسئله معلوماتی دارد در موقع امتحان حاضر میشود و قوه و استعداد خود را بروز میدهد اما این مربوط به موضوع این لایحه نیست. موضوع این لایحه راجع باطباء قدیم است آنهایی که تحصیلات طبي شان روی اصول قدیمی بوده است این اشخاص می آیند و داو طلب امتحان میشوند. آیا اینها میتوانند در کلاس نهائی مدرسه طب امتحان بدهند؟ در صورتیکه کسیکه کلاس نهائی طب را امتحان میدهد باید سابق چهار سال تحصیل کرده باشد یکسال هم در کلاس قدما ن طب و یکدوره هم مدسه متوسطه و ابتدائی را دیده باشد و همه اینها باید کلاسیکی باشد زیرا اگر کلاسیکی نشد آن درس آخری یعنی کلاس نهائی طب را نمیتوانیم. میفرمایند در مدرسه طب درس های زیادی هست و فرمودند ریاضی باید خوب بداند و طبیعیاتش هم باید کامل باشد شرح هم باید بداند. خیلی خوب بنده عرض می کنم که جغرافیا هم باید بداند

برای اینکه اگر نداند امراض مناطق را نمیتواند تاریخ هم باید بداند چون مربوط به درس قبل است اگر بکنفر وارد مدرسه ابتدائی میشود باید بگوید چون من میخواهم وارد مدرسه عالی طب بشوم تاریخ نمیخوانم اینک معقول نیست و منطبق ندارد. و بالاخره قواعد و اصول تعلیم يك چیزی است که اشخاص عالم و متقن نشسته اند و نوشته اند و بعقیده بنده بحث در این موضوع در مجلس شورای ملی اصلاً موضوع ندارد. این يك مسئله علیحده ایست. و باید دانست چه ما را و داشته است که این قانون را بیاوریم بمجلس. ابتدا عرض کردم وزارت معارف باطباء از يك راهی ارتباط دارد که مربوط است به علم و فضیلت آنها و همانطور که همه اشخاصی که در مدارس تحصیل میکنند باید فضل و معلومات آنها را وزارت معارف تصدیق کند و دیپلم بهشان بدهد همینطور هم اطباءئی که درس میخوانند یا اشخاصی که در مدرسه حقوق یا مهندسی تحصیل می کنند مقامات فضلی آنها را باید وزارت معارف تصدیق کند. بالاخره وزارت معارف از این راه باطباء ارتباط دارد و در قسمتهای دیگر با آنها مربوط نیست قانونیکه در سنه ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب شده است آن قانون این ارتباط را ایجاد کرده است. بنا بر این این قضیه مربوط شده است بوزارت معارف. حالاً يك تپه خاک ریخته اند در آنجا و میگویند این را بردارید. آخر ما وسیله لازم داریم. يك ناوه برای ما لازم است که کولمان بگذاریم و این خاک را برداریم. قانونی وضع شده است و گذشته است اگر ذره تخلف از آن قانون بشود هزار گونه ایراد میشود که چرا برخلاف قانون رفتار شده است این است که وزارت معارف اجازه میخواهد که برخلاف قانون عملی نکرده باشد و بالاخره باید راه حلی پیدا کرد و راه حاش هم همین است و همانطور که قبلاً عرض کردم اینها يك عده معدودی هستند و امثالشان هم در مملکت.

زیاد نیست و این هیچ قدم ارنجائی نیست و آدم کشی هم نیست. و بالاخره تمام این مسائل مسلم است که اینها يك مردمان هستند که در حدود معلوماتی که دارند همان ککل کلاو زبان و ککل بنفشه را خواهند داد. و مردم هم از آنها و از نوع عملشان رضایت دارند و سالیان متمادی هم کارشان همین بوده است و اتفاقی هم نیفتاده است و حالا تحقیقات و تفتیشات بیشتر است زیرا حالا اگر يك نسخه را ملتفت نشود و بدهد آن دواخانه و دوا فروش که نسخه به آنجا میرود پیش را میگردد و مورد ایراد واقع میشود و از این باب جای نگرانی نیست و دو نفر مفتش هم لازم نیست که عقب او راه برود بالاخره کاری ندارد که مفتش لازم داشته باشد يك اشخاصی بوده اند و مشغول عملیات هم بوده هستند. ما بمجلس شورای ملی عرض میکنیم بما اجازه بدهید که ما برخلاف قانون عملی نکرده باشیم و بيك صورت مشروعی يك عملیاتی بکنیم. اگر مجلس شورای ملی نسبت به نظامنامه نظریاتی داشته باشند این محل بحث نیست و ممکن است در آن باب هم دقت کرد که نظامنامه را چطور باید عملی کرد این حرف صحیحی است که اگر مجلس شورای ملی بگوید من به نظامنامه اعتماد ندارم و باید در کمیسیون مطالعه بشود این يك حرفی است اساسی.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دکتر سنگ - اجازه میفرمائید

رئیس - عده برای رأی کافی نیست بفرمائید

دکتر سنگ - بنده نمیدانم آقایان عرایض بنده را چطور تصور فرمودند بنده مقرر و معترفم که اشخاصی هستند از اطباء قدیم که هیچ تصدیق و دیپلم ندارند. لیکن در معالجات بسیار خوب هستند و اگر در اینجا عنوان کردم که يك کسی را دیدم که يك ورقه استشهادی در دستش داشت و چه شد کار ندارم و البته آن کسیکه زحمت کشیده و کتب قدیمی را کاملاً دیده است

بنده اعتراف دارم از اینکه اوشخص عالمی است و بنده میتوانم در مواقعی که گیر افتادم از آن شخص استمداد کنم. خیلی از این اشخاص هستند بنده منکر نیستم. فقط يك گناه ماداریم و نمیدانم که این گناه را از چند سال قبل به این طرف مجلس مرتکب شده است یا سایر آقایان. و آن گناه این است که قانون مدرسه طب را بطوریکه باید تنظیم کنیم نکرديم. قریب بیست و دو سال است که مجلس باز است و دوره ششم است هنوز این مجلس نتوانسته است راجع بمدرسه طب اقدام بکند و بنده خوشوقتم که در موقع تصدی آقای تدین در وزارت معارف يك قدمهائی بر داشته شده است که دارد مدرسه جلو میرود. و بالاخره گناه ما این بود که راجع به این مدرسه اقدامی نکرديم و حالا بنده میخواهم بدانم که به این اجازه نامه هائی که در دست يك اشخاصی میدهیم گناه ما يك میشود یا خیر؟ اگر يك میشود بنده مخالف نیستم ولی چنانچه عرض کردم یکمده اشخاصی شاید باشند. که ورقه و تصدیقی داشته باشند از اشخاص مختلفه که هیچ داخل در فن طبابت نیستند و بنویسند که این شخص خیلی خوب طبیبی است و آن وقت در عمل شاید خوب نباشد. و در مقابل اینها هم اشخاصی هستند که طب قدیم را تحصیل کرده اند و استفاده هم ازشان میبرند اما اگر شما بخواهید يك مجلس امتحانی درست کنید آیا سزاوار است يك کسی که رفته است و تحصیل کرده است و کسی است که بقول یکی از آقایان در يك کلینیکی مشغول عملیات بوده و در ضمن تحصیلات طبیبی قدیم و جدید را هم کرده است. آیا میشود این شخص را محروم کرد؟ بنده هم عرض میکنم نباید محروم کرد و حتماً باید طبابت کنند ولی باینك شرطی که بعد پیشنهاد خواهم کرد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

اصلاح ماده اول را بطور ذیل پیشنهاد میکنم :
ماده اول - حق طبابت اشخاصی خواهند داشت که مطابق برگرام مدرسه طب تحصیلات طبي کرده و امتحانات لازمه را داده و اجازه طبابت اخذ کرده باشند
تبصره اول - اشخاصی که از سنه ۱۳۰۰ مشغول طبابت هستند باید بموجب برگرام مدرسه طب امتحانات لازمه را داده اخذ اجازه طبابت بکنند.

تبصره دوم - اشخاصی که ناسنه ۱۳۰۰ با اجازه رسمی طبابت کرده اند مجاز خواهند بود والا باید مطابق برگرام موره طب امتحانات لازمه را داده اخذ اجازه نامه بکنند دکتر رفیع امین

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بر ماده اول اضافه شود

تبصره - اطباء می توانند در هر يك از شعب طب که متخصص هستند و امتحان داده اند و نسبت بهمان شعبه اجازه نامه تحصیل نمایند و معالجات آنها محدود بهمان قسمت باشد افسر

در این موقع که استعمال کلمه دکتر اختصاص باشخاص معین خواهد داشت برای اینکه بین درجات اطباء فوق محسوس باشد که مراجعه کنندگان با اشتباه نیفتند پیشنهاد ذیل را تقدیم میکنم. اول برای اطبائی که در مدارس عالییه خارجه تحصیل نموده بعلاوه دیپلم مدنی هم که لازم بوده مشغول عملیات طبي بوده اند اسم خاصی گذاشته شود

دوم - برای اطباء دیپلمه خارجه که عملیات طبي ندیده اند اسم دیگری گذاشته شود

سوم - برای اطباء فارغ التحصیل ایرانی هم که عملیات طبي دیده و داشته اند اسم خاصی معین شود.

چهارم - برای اطباء فارغ التحصیل بی عمل هم اسمی معین شود

پنجم - برای اطبائی که رسماً تحصیل نکرده و

طبیب مجاز هستند اسم دیگری معین شود و اضافه میکنند که اگر تعیین اسامی مختلفه بنظر مشکل آید درجات را باین ترتیب معین کنند

طبیب اول - طبیب دوم - طبیب سوم . طبیب چهارم
طبیب پنجم

رئیس - پیشنهادها زیاد است بیست فقره بیشتر است اجازه میفرمائید مراجعه شود بکمیسیون؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده دوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - اطبائی که فقط اجازه طبابت دارند و دیپلم از مدارس طب دولتی داخله یا خارجه نگرفته اند حق استعمال کلمه (دکتر) را نخواهند داشت

رئیس - آقای افسر

افسر - بند با این ماده مخالف هستم بجهت اینکه ناقص است و باید تکمیل شود زیرا الان هم معمول است که هر کس در روی نابلویش مینویسد (دکتر) و البته در موقع تعارف و احوالپرسی هم به فلان طبیب میگویند (دکتر) ما هم یاد میگیریم بنا بر این در موقع احتیاج که بخواهیم مراجعه کنیم ملتفت نیستیم که این شخص تحصیلاتش ناچه اندازه است و در کدام مملکت تحصیل کرده است. بالاخره در چه مرض متخصص است که به او مراجعه میکنند ولی بعد از اینکه يك درجاتی برای اینها قائل شدیم و يك اسامی مخصوصی برایشان گذارديم گمان میکنم رفع این محذور بشود زیرا اینها پنج طبقه اند یکمده از اطبائی هستند که در مدارس عالییه خارجه تحصیل کرده اند بعلاوه در مدنی که لازم بوده است مریضخانه رفته اند و عملیات کرده اند اینها در مرتبه اول هستند و باید اسم خاصی برایشان گذارده شود. دوم آنهائی هستند که تحصیلات عالییه کرده اند ولی عمل ندیده اند. اینها با آنها فرق دارند

چنانچه در در پیشنهاد هم عرض کردم نوشته شود طبیب اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و معتقدم که لفظ دکتر را بردارید و همان درجات را قائل شوید که مردم اغفال نشوند.

معاون وزارت معارف - مقصود از کلمه دکتر برای اشخاصی است که از مدارس بیرون آمده اند و يك مراحل علمی را طی کرده اند که بالاخره میرسد به قسمت علمی و بجائی میرسد که به آنها گفته میشود (دکتر) و دکتر بانها اطلاق میشود و البته این کلمه نسبت باشخاصی که این مراحل را طی نکرده اند و تحصیلات قدیمه کرده اند نباید اطلاق شود زیرا مربوط باو نیست و چنانچه عرض کردم این کلمه باشخاصی اطلاق میشود که درجات علمی دارند و این مراحل را طی کرده اند.

رئیس -- چون عده برای مذاکره کافی نیست جلسه را ختم میکنم

شیروانی - اجازه های مرخصی آخر جلسه باید تکلیفش معلوم شود در آخر جلسه اجازه ندهند که هرروز مجلس از اکثریت بیفتد

رئیس -- قرارش را بعد بیرون میدهیم. جلسه آینه روز سه شنبه دستور هم بقیه دستور امروز. کسری کمیسیون ها را هم عرض میکنم که برای روز سه شنبه انتخاب شوند.

پست و تلگراف ۱ نفر مالیه ۲ نفر معارف ۲ نفر خارجه ۱ نفر نظام ۱ نفر فوائد عامه ۱ نفر
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

سوم آنهایی هستند که در ابران در مدارس طبی و دارالفنون تحصیل کرده اند و عمل هم دیده اند دو سال سه سال در نزد اساتید زحمت کشیده اند برای آنها هم اسم خاصی باید معین شود. چهارم آنهایی هستند که بعد از آنکه تحصیلاتشان تمام شد فوراً رفته اند بولایات و مشغول معالجه شده اند و جمعی را کشته اند پنجم اطباء عادی یعنی همین طبائی که مدارج طبی جدید و قدیم را طی نکرده اند و چون پنج سال ده سال طبابت کرده اند به آنها اجازه داده شده است که طبابت کنند. البته برای اینها هم باید اسمی معین شود و بالاخره اگر میخواهیم بهمان فلسفه که آقای شیروانی و بعضی آقایان فرمودند دقت کنیم که مردم اغفال نشوند. بهترین راه برای این مسئله همان پیشنهادی است که بنده عرض کردم. همانطور که در نظام هم يك درجاتی هست و يك اسامی بخصوصی است. نایب اول، نایب دوم، نایب سوم، بعقیده بنده باید در آن اجازه نامه که باو میدهند نوشته شود که این شخص متخصص فنی است و طبیب اول است و همچنین در سردرب منزلش نوشته شده باشد که این شخص متخصص فنی است و طبیب اول است که بنده بدانم این شخص چه سمتی دارد. نه اینکه در نابلوش بنویسد متخصص در امراض چشم و فلان و فلان و يك جمله هائی بنویسد مثل اینکه در نحوه حکیم مؤمن گاه را مینویسد که هفتاد و پنج خاصیت دارد در صورتیکه هیچ خاصیتی ندارد. پس بعقیده بنده بایستی يك اسامی بخصوص گذاشت که کاملاً بدانیم که این شخص چه عملیاتی میتواند بکند. و چنانچه اسامی خاصی هم ممکن نباشد